

متی ۷: ۱

تیموتی زی. ویتمر

متی ۷: ۱ یکی از آیاتی است که در دوران ما بیشترین برداشت اشتباه در مورد آن رخ داده است: «حکم مکنید تا بر شما حکم نشود.» این جمله اغلب در گفتگوها زمانی مطرح می‌شود که یک نفر به خود این اجازه را می‌دهد شخص دیگری را مورد ارزیابی اخلاقی قرار دهد و شخص شنونده را ناراحت می‌کند. و در جواب چنین می‌شنود: «نو کیستی که داوری می‌کنی؟»

عیسی درباره‌ی چه نوع «داوری» صحبت می‌کند؟ مثل تمام موارد، برای درک آنچه عیسی به آن اشاره دارد زمینه‌ی متن کمک شایان توجهی می‌کند. این متن در موعظه‌ی بر فراز کوه است که ماهیت عدالت حقیقی را در مقابل دین ظاهری نشان می‌دهد. در این متن، عیسی نگران داشتن ریاکاری با معیارهای دوگانه است. اثبات نظر او در مثالی است که در آیات ۳ تا ۵ آمده است:

«و چون است که خس را در چشم برادر خود می‌بینی و چوبی را که در چشم خود داری نمی‌بینی؟ یا چگونه به برادر خود می‌گویی «اجازت ده تا خس را از چشمت بیرون کنم» و اینک چوب در چشم تو است؟»

این قسمت در متن یونانی حتی واضح‌تر است، که در آن «چوب» معادل تیر بزرگی است که به عنوان تیر سقف در ساختمان استفاده می‌شود. تصویر شخصی با یک تیر سقف در چشمش که می‌خواهد یک خس کوچک را از چشم شخص دیگری بیرون بیاورد باید برای شنوندگان خنده‌دار باشد. بنابراین ریاکار کسی است که شخص دیگری را به خاطر کاری محکوم می‌کند، درحالی‌که خودش همان رفتار یا حتی بدتر از آن را انجام می‌دهد. برخی از مخاطبان عیسی کاتبان و فریسیان بودند که در این نوع ریاکاری خبره بودند. آن‌ها مشتاق محکوم کردن دیگران بودند، درحالی‌که خود همان کارها را انجام می‌دادند. این نوع داوری اشتباه است.

اما آیا زمانی وجود دارد که مردم حق «داوری» یا ارزیابی اخلاقی از شخصی دیگر را داشته باشند؟ قطعاً هست. در واقع، کتاب مقدس از ما می‌خواهد که این کار را انجام دهیم.

در جای دیگر، عیسی می‌گوید: «به حسب ظاهر داوری مکنید بلکه به راستی داوری نمایید.» (یوحنا ۷: ۲۴). این «داوری به راستی» چگونه است؟ کمی بعد در انجیل متی، عیسی به ما تعلیم می‌دهد که شخص باید مستقیماً با شخص دیگری که در حق او گناه کرده است صحبت کند (متی ۱۸: ۱۵). چندین نکته مهم وجود دارد که این متن در مورد «داوری به راستی» به ما می‌آموزد.

اولاً، ارزیابی باید بر اساس معیار خدا باشد، نه بر اساس ترجیح شخصی. عملی باید کلام خدا را نقض کرده باشد تا بتوانیم آن را «گناه» بنامیم. در اینجا یکی از ایرادهای نوین به «داوری» وجود دارد. مردم در مورد معیار، اختلاف نظر دارند. همان افرادی که بر اساس «حقیقت خود» زندگی می‌کنند، بر اساس یک معیار تابع موقعیت که همیشه در حال تغییر است زندگی می‌کنند و اتفاقاً این رفتار آن‌ها را منعکس و تأیید می‌کند. آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند: «اگر فکر کنم یا احساس کنم که درست است، پس لابد درست است.» اما مطلق‌هایی وجود دارند. معیار درست و غلط وجود دارد و در کتاب مقدس آمده است.

دوماً، انگیزه‌ی مناسب در مواجهه با شخص دیگر باید همیشه اصلاح خطا کار باشد. دلیل اینکه شما با دیگری در مورد گناهش رودررو می‌شوید این است که او را جذب کنید، نه اینکه او را تحقیر کنید، محکوم کنید، یا اینکه خودتان را برتر از او احساس کنید. اینجاست که کاتبان و فریسیان (و گاهی ما) کوتاهی می‌کنند. همین پویایی را می‌توان در غلاطیان ۶: ۱ مشاهده کرد. پولس می‌نویسد: «اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی.» در اینجا دوباره اشاره به «هر خطایی» را می‌بینیم که به نقض معیار خداوند اشاره دارد. همچنین

می بینیم که هدف، اصلاح برادر یا خواهر است. ما باید همیشه به فکر نیکویی به کسانی باشیم که گمراه می شوند. عنصر دیگری که در نامه به غلاطیان می بینیم، اهمیت نگرش فرد در اصلاح شخص دیگر است. پولس می نویسد که مجرم باید «به روح تواضع» اصلاح شود. این نشان دهنده ی فروتنی است که باید مشخصه ی یک گناهکار در مواجهه با گناهکار دیگر باشد. همچنین به ما یادآوری می شود که « خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی.» این نگرش در مورد افراد متکی به اعمال خود و خودپسند که مشتاق محکوم کردن دیگران هستند، اما مقام خود را بالا می برند، فاصله ی زیادی دارد.

این منجر به نگرشی نهایی می شود که طبق آن ما باید همه چیز را در نظر بگیریم و به یاد داشته باشیم که خدا داور است و همه ی ما در برابر او مسئول هستیم. عیسی گفت: «حکم مکنید تا بر شما حکم نشود. زیرا بدان طریقی که حکم کنید بر شما نیز حکم خواهد شد و بدان پیمانهای که پیمایید برای شما خواهند پیمود.» (متی ۷: ۱-۲). این نگرش نهایی مشاهدات قبلی را تأیید می کند. یادآوری اینکه خدا داور است به ما یادآوری خواهد کرد که کلام او باید معیار داوری باشد. همچنین باید منجر به روحیه ی فروتنی شود که به ما امکان می دهد تشخیص دهیم در قلب هر یک از ما ریاکاری زیادی باقی مانده است.

دکتر تیموتی ز. ویتمر، شبان کلیسای اصلاحاتی سنت استفان در نیو هلند، پنسیلوانیا، و پروفیسور بازنشسته ی الهیات عملی در دانشکده ی الهیات وست مینستر در فیلادلفیا است. او نویسنده ی تصویر ذهنی و رهبر شبان است.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.